

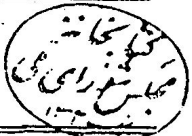
چهارم

کتابخانه لورجیت پور رو به پنجاه و دو (۲۰۲)
 کارهای ستاد بازرگانی و بازرسی در حال انجام است
 رسوید اسلام از مصلحت و سیاست
 ویرانی اداره آقا محمد قاسم شایسته
 بر دو شنبه و پنجشنبه و شنبه تقییر شود
 در شنبه ۱۶ شهریور سال ۱۳۱۱
 مطابق ۲۷ ماه فروردی ۱۳۱۱

قیمت هر نسخه یک ریال
 پست و کرایه در بر گیرند
 ایران افغانستان - ۱۳۰۰
 اروپا و چین - ۱۴۰۰
 ممالک عثمانی و مصر - ۱۵۰۰
 ممالک روسیه - ۱۶۰۰
 کینس و هندوستان - ۱۷۰۰
 ایران یک ریال - ممالک هندوستان

محرک و محرکین از مصلحت و سیاست
 محرک و محرکین از مصلحت و سیاست
 محرک و محرکین از مصلحت و سیاست

دین به از هر روز و وقت مساوی و در وقت استقامت و در وقت استقامت و در وقت استقامت



(تکلیفات و احکام)

هفتم شوال المکرم ۱۳۱۱ از لادن سید محمودین
 سوادان برسد می نمودن مصدق و تکلیف چندیم فروری در
 پارلمان موضوع بحث شد ستر برادر یک پنهان داده که
 بسبب اظهار خواه داشت
 در وقت که مقدمه در شکستن ستر سهرولی در لادن در وقت
 و از راست در دست داده میون بان مردم بار بار کرده
 و فغانی و مجلس نموده که مردم را از حالت غرقیت
 نکرده اینست که سزایا بدو که بر سطح طلب کاران است
 از تکلیفات و ترغیب میشود که در کارهای لیجان
 دولت علیه قتالی آثار بسیار نمودار است از این باب
 من بعد دولت شمار ایضا ترغیب و ترغیب میگرداند
 بزود شمشیر اصلاحات و طوایف خویش را جاری نمایند
 سزایا که در گمانی دولت مقام باشد ولی ترکی اصلاحات
 بسیار کند و بصورت این عمل رسیده است اکنون
 در اخبارات عملی و محکم درین باب خبری دیده نشد
 و در هم از این سبب است که تراش
 پیشین تاریخ و الی گویت و اطراف گردش کرده فساد
 صحیح شود اول مسلمانان بر بارش ایستاده اند
 در صورت بیچاره و غنیمت
 در لادن حکم شده که هر کس در عرض سال دولتی
 اقدام بستاند به جهت آنکه در خانه و صندوق پست
 ایستاده نظارلمان در سفارت خانه انگلیس فتیله

زمانی در تخم که صحبت بوده اند
 هشتم شوال المکرم ۱۳۱۱ از لادن ایم سیلی
 در اسید واران ریاست جمهوری فرانسه شال شد
 اگر چه بسیاری از اولها و خاله های ترصد این عهد
 ریاسته ولی مقابله سزایا ایم سیلی و ایم لوبت خواه
 ایم لوبت بکثرت آراء رئیس جمهوری فرانسه
 کرده و وضعیت بحیثیت رئیس جمهوری دارد و پارس
 و استقبال زیادی شده است
 سن باب ریاست جمهوری در امیداران اختلاف کلی روی
 داده است اندک زود خوردیم شده است
 نهم شوال تمام روز در شهر پاریس آثار بدست
 بود و جنسی را هم پاریس گرفتار شده است درین وقت
 پهل و شش شهر محب روح شده و دست و پانجا
 نفع گرفتار خرافاتین در ایضاً ایم لوبت و اطراف
 در پاریس میگردند
 در آلیسنان میانه روسیان و میان و این سن باب
 مالیات های جدید زود خوردیم شده است یکصد
 چنانچه میقتل رسیده
 آنگاه فیلیان چشلاف را یک گرام اند و قشون
 از کار با رنگ آورده اند و سینه سلامت گرام
 قشون را یک با رنگ آورده است
 و هشتم شوال المکرم ۱۳۱۱ از لادن امروزم
 سن باب اتحساب ایم لوبت در پاریس زیاد
 مدخرفا بود این فغان در مان در آلیسنان

عموم ملت با اتحساب ایم لوبت رضایت دارند
 بر یکصد نفر از هم بجزم بکار گرفتار نموده
 سن باب و کسینا کیون حدیث و انگلیس معینه
 برخلاف از زود نام شده در او اسطه که با
 اجلاس خواهد شد
 دیوک و چند آف کات در شاندرمان واروشه
 با کمال احترام شده را از است کرده یا شنندگان با آنها
 فرمی و گرمی چیز مقدم گفتند افواج را معاینه کرده
 اعزاز بخشیده است
 و الا حضرت خدیو سهر اخذ و نه حضرت زندی غایت
 فسد نموده است اکنون بانشین خدیو پاریس
 محمد علی برادر کوچک خدیو سهر میگردند میگردند
 خدیو برودی این فرزند گرامی را ولایت عهد خواهد
 بخشید و الا حضرت خدیو زیاد از زینست بجز از
 زندگانی نگذرانند
 دهم شوال ۱۳۱۱ استودی در دارالشورای ملی
 بیان نموده است که دست پانزده هزاره کانه
 حزینه نه انگشتان در مردان حشر شده بود از
 حسابیکه رسیده بتازگی مهرانا طوطیها را کرده
 سست و دم - نایب وزارت جنگ در جواب سوال
 در دارالشورای ملی لادن بیان نمود که است که
 توسینا بحدید تا (۱۳۱۱) ابرج انگلیسی شکل میشود
 تو سبب از دیگر در عرض و سال تیار خواهد شد
 تحفه قشون و خسته اجات جنگی دولت انگلیس

سال در آن که در هیچ ایوانی نشسته و کس در آن دره
 هزاره بر صهارف جنگ افزوده اند (۵۳۹۳)
 نغزیده نشون برای بنده افزوده خواهد شد از
 بنده ایستین بنده لازم دانسته اند که چون سازد
 و ستاره را تحصیل نماید وزیر جنگ حده نشون بگری
 هم برآورد که در بهر جهت مسلح نمودن تمام قشون است
 فایزیه انگلستان با سلطه جدید تارک و تبت دیده شد
 در این هم کی از اعلام کاسیای اعلان امنیت عمومی که
 ایراد در روسیه آهه فخر قریب تمام دول قوای حربیه
 خود را بر او بکشد به رعایت دولت انگلیس زیاد خواهد
 نزد دول از روی پولیک در ظاهر خواستگاری است
 عمومی باشد
 بصلاح وزارت جنگ جهت مخالفت ستاکان نماید
 دولت انگلیس تسمیه یار پیش است
 رئیس جمهورى فرانس (ایم لوبت) به دار آرا
 نمی و غیره پیغام فرستاده نگیده نموده که آرام گیرند برود
 کینه اتفاق نماید حقوق حکومت و عدالت را از دست
 آتش و دارا ابرین دار الشورای ملی تجویزات علیا
 حضرت ملک انگلستان را که در تحقیر افتتاح
 پارلمان شده بود قبول نموده
 ده از دهم شوال ۱۳۰۲ از لندن اخبار لندن
 من باب کارروائی لاردرکن در سطح میگوید که آن
 اولین کارروائی لاردرکن است در معاملات
 مارچیه که قابل هزاره که تخمیه تخمین است که
 بدون نام در کمال عظمت این امر هر را تصفیه نموده است
 حال که دولت فرانسه خواستگار اکیار عالی میباشد
 این مبلغ فارسی نیز از کسی را در حساب کرده است
 انگلیس در کمال رضایت قبول خواهد کرد ولی لاردرکن
 از اولین رجال سیاست و رئیس انگلستان است
 در معاملات خارجه و بجهت بهام اموات بسیار
 چه او را بنده فرستاده اند همایکان بنده می
 به پیشار خود باشند که دپاره خواهد شد از این
 ایبانی چند
 لکن ایفک این مبلغ فارسی سیه ظاهر سیه بود که اعلام
 معاهده را که با فرانسه نموده بودند من باب دادنی

از حال در قریب سطح نموده است این در آن
 (ادول ملکن) بود که عاید الجبار داشته است
 که تمام قطع سطر را با توب خواهند پرازد سبباز
 جنگی دولت انگلیس بر کجا موجود است انگلیس
 (ای انگلیس) در دروست امام سطر در دربار مافخ
 مساهبه با فرانسه را کرده اعلان هم داده است
 و نسل فرانسه اعراض نموده است ولی شمر است
 و در هم بر این اعلان سرور اند
 لشکری سودانی تاکنون در خدمان اقیام دارد
 و با جاعت زیادی بجهت شمالی سودان حرکت
 میکند و بان آن اطراف رافارت میاید راه داد
 تاکنون معلوم نیست (جنرال منتر) و (جنرال کد ایل)
 و سایر که در کان در آن زمان طلب شده که چین
 ضرورت مستعد یکجا باشد
 سیزدهم شوال ۱۳۰۲ از لندن امر و شورش ایم
 فیور رئیس جمهوری فرانسه را با کمال احترام در پیک
 دفن نموده و شمر در کمال امنیت است و ایم لوبت
 با نهایت توقیر و احترام بریزائی نموده
 وزیر بنده در جواب سئوالات دار الشورای ملی بیان
 نمود که صبح است امام سطر از او داشت بند بر
 به فرانسه به دعای او که علاوه بر عهد نامه ۱۸۶۲ که
 باره اعلان شده و دولت انگلیس اسانات زیاد بر
 ایالی و فرمانگذاران این ملک دارد و در این معامله
 سیاه حکومت انگلند جو حکومت بنده از ابتدا است
 جاری بوده است
 دولت ایتالیا را از او برین است از قشون بگری
 بجهت دستاورد چین آمده داشته قشونات
 خود را در ملک چین زیاد نماید
 شب گذشته در تمام کوه و باران شهر مینا جنگ
 فساد بود اگر چه آفاق نفس چندان بوده است
 ولی خصالی امر وال بسیاره قشون او یکا تمام این
 خارج کرده اند
 ستره بر کین وزیر استکلات خارجه انگلیس خط
 در برین اظهار داشته است که در الفصد و فتح
 والی (اکپ کونی) مستعد است که هر کس را بیا

در شایسته بجهت است که این بنده در شوال
 تمام انبیاات فرانسه من با بیجا به که بیاید تمام
 و دولت انگلیس شد اظهار عدم رضایت می نماید چون
 نیم سی در پاریس اعلان شده که دولت فرانسه
 انگلیس از منظره ری بجهت انباز فال خواسته بود
 مطابق عهد نامه ۱۸۱۵ دولت فرانس را خواهد بود
 عهد نامه انگلیس ظاهر سیه را که تا مورین قلیت از
 روی تصفیه کارروائی میماند
 و یکپاریس جمعیت زیادی جمعه زده کویدهم نموده
 انسدان پیش را گرفتار نموده اند
 ستره بر ادیک در دار الشورای ملی بیان نموده بود
 که زار همین تا لیسنون در خواستی کرده بود و تصنیف
 مالیات قعی با جمعیت درخواست را برده پیش نهاد
 سواره قزاق روی بر آنجا ملک نمود
 ۱۳ شوال الکتبر ۱۳۰۲ از لندن ایم در ولدی
 و ایم هر برت که از اجرائی دولتی فرانسه بودند بواسطه
 آنکه اسباب غم و فساد گردیده بودند حکومت مجاریه
 گرفتار نمود
 در دار الشورای ملی انگلستان سئوالات زیادی در باره عهد
 داران و ملوک پادشاهی مهدی سودانی شده ستره بر ادیک
 جواب داد که مفصل مال را طلب کند که نگارنده فایده بنده
 انبیاات کند با من باب کارروائی و انبیاات دولت انگلند
 در او پیش از آنکه کاتی را که مقرر کرده اند بر وارند
 ۲۵ فروردی در برین یکصد و چهل و چهار نفر نمایان
 یکصد و پنجاه نفره هده تمام اموات میصد و شصت نفره
 است الگدشته همین وزیرتفه اما فاجات عمومی میصد و شصت
 خداوند در حرفه
 (ملکت)
 چون از چند نیست که همه اموات کلکته یاد شده حال آنکه
 او سدل صحت عمومی هم قرار است این باز از آنکه
 کرده کلکته ایام با طاعون فرار و پنجه میگوید با جمعی
 بنده نغز در سینه است بنده بقول طاعون است
 علیه بر زنده که طاعون داده بود در این ایام
 بسیار که بر کرم تبیه م برود و بر شمر تمام اموات
 جاری کرده خداوند انشا الله بر بنده هم مایه

(اخلاق سلطانی)

خوشتر آید که در بران گفته آید در حدیث و کلام
چون دار مدار اطلاعات اسلامیان بل موم نهادن
امروزه در اخبارات انگلیسی و ملکه افات در تراست
نه خود ناسیات کرده اند و نیز از زبان انگلیسی
اخباری میسر آید بلکه امروز بعضی نوسان تسلیم یافته
آنچه را که اخبارات انگلیسی نوشته باشند عمل قیام
و قابل تصدیق نمیدانند بلکه افات روز و اخبار است
انگلیسی بر لیک خود را برین قرار داده اند که عکس
مسلمانی و اول اسلامیه مخصوص علیحضرت سلطانی
اشاعت نماید چون اخبار جمل المین در دست افتاد
میشود و این مقالات بیشتر بجهت مسلمانان میزند
لازم است که در تردید آن اخبارات کلمات بزرگان
فرنگ و مسلمات مصفاان انگلیس را بخت بیادیم
تا بر نوسان و جازان تسلیم یافته اسلامیان میند
هم اغراض دلی انصافی این اخبار روشن کرده آنچه را که
از قول دیگران بنویسم صد چند نشن راد حق است
سلطان میدانیم (ولی الفضل ماشه به الامداد)
افند مارشل مولد کی ایکی از رجال بادش شصت
جراج صاف نویسن آلمان و دوست خالص بود
عثمانی بود و در ۱۳۱۸ مسی در حالیکه از دولت عثمانیه
خود سمت یاورى داشت امور شام شد که کم تر
کرده نسبت عبارات سید و تامة در ازى مسیسم
در اسلامیه بل سیزه آلمان بود از حالات دولت عثمانیه
در حال ترک الموضع کافی و آگاهی و اندام حال نموده
آنچه را نسبت این ملک و دولت و ملت و کتاب
سیاحت نامه خود نوشته بوجبه دلیل است
سوالین این ملک (سی عثمانی) فستومات میگرد
مالک مدیده را بقیضه تصرف خود میرود آورده
از سبک کردای بسیار و محله های میهار مظهره مشهور آید
نیمه تا از برای آبادی ملک امداد نموده بسا
و مصایب میهار و شغافاهاهاها بسیار از او نمیکرد
درین کارهای نمایان نام خود را بر پیشکوی گذارده اند
اما سلطانی که رایای خود را از حو طاعون در مملکت
بجاست و (قبل از جمله سوسه تطانات اعیزت

سلطان عبدالحمید خان خدا اله ملک و سلطانه
یحیی وقت مملکت عثمانی عالی از طاعون نموده
و امانی نشه ملک عثمانی را خانه طاعون میکنند
البته بر تمام دنیاست فراوان خواهد داشت
ذکر جیل او همیشه در لوح حافظه ما مردم مملو
و افسانه های نیکان و دیار بزرگان خود را در
دیار بزرگان خود خواهد نمود
شصت سال پیش این آلمان سپاهی پیشه گویا
بارد سلطان زمان اینکو پیشین گویا و در
نیز خواهش نموده بود - و حال بواله در زمانه
اعلیحضرت خلافت پناهی سلطان عبدالحمید خان
آن پیشین گویا و تمامی آن آلمانی سفیر ذات
این سلطان عادل بر آورده و درای با اجابت
تصرف کرده - بسم الله طاعون در تمام ملک
عثمانی از افسانه های قدیم شده و احدی قادر برین
که دیگر مملکت عثمانی را خانه طاعون گوید
یکی از دانشمندان آلمانی که نهایت صاحب بعیت
و دانش مولود خاک عثمانی بود و او که نامش ابی
میباشد و با تصحیح از وی انصاف آنچه را در حق
سلطان عبدالحمید خان غازی نوشته بود بجهت
دولت علیه عثمانی که در شش ایسلادی بگردد
بود یکبار ه لکه کوب افواج قاهره روس شود
و نام و نشان این دولت بزرگ باقی نماند
نسبت زمانه قدیم قوی تر بنظر میاید و اگر فرض
دیده انصاف - بنام درین عصره قلیل تمام این
ترقیات مشهوره این دولت بزرگ اسلام
پر تو ذات محبت صفات این سلطان با عدل و سبب
و دانش بود و میباید زبان آسان است خجسته
در تصور احدی از پیشکوی فرنگ بنویسی قیام
دولت عثمانی باین زودی چگونه بر روز
و شهره آید
این سلطان عادل با سیاست دل آگاه با همیش
هنگ که در روز پیش و چنانکه گزینی یکی از خا مرفعی
ایشان است در عین خرابی ملک و تباهی وقت
و در این خیر زود فتح قشون و خرابی ملک سه دست

سلطنت بزرگ ترکی را چندوم خود متب ساخت
ز اینکه با امیر صاحب سلطنت و جلالت ساخته اند
مخالف بود بلکه بر آن سلطنت و جلالت بود و اول
رای در اندیش در غمب کشید ای شخصی فوق العاده
و اختیار امورات در از خطا که بر صد افزود و تمام
دیران اروپا که محبت و اجابت دولت عثمانی را از
تصدیر میکردند به بیضا نشان او - از روی انصاف با
اینهمه مدات و اینکه ما دشمنان آی سلطان عثمانی سوز
کرده که قشون ترک که یک مرتبه نیست نابود و اول
ادعای تلج حبیس و حرکت شده بود در عوم قیل
پانزده سال دارای قوه مدافعه ساخته و چنانکه
که در برابر قشون و افواج دول دیگر پا بر ایستاد
مائل نموده اند
این امر جای تشبیه نیست که اعلیحضرت سلطانی
عبدالحمید خان در میان رعایا و رجال مخصوص خود
پیدا کرده که فطرتا در امیر ملک داری و اسما
امور کشیده همیال نشان میباشند - تحقیق است
که مادامی که حوادث شسته ایسلادی قوی و لیک
دولت عثمانی را که شکست خوف امادی ملک
که در اینده ام این دولت اجنبی ساهی بود در هر
نمودار شاههای دول فرنگ که در سده فتوحات مدیه
بودند سده سیه ترقیات بود ولی این سعادت چشم
بزرگان ترک را باز که جهت قوم پرستی که از نهادن
بدون و بکل خارج شده بود و فراموش نمود و بهوش آمد
و بسیار شدن بزرگان زیاد بر ترقیک شخص سلطان
داشت بروز کرد و این دو تمام بزرگان و دستگیر
کله اری و امورات بیای را این سستی و خلقت نمایان
و باید بزرگان و ابرج که کشان را فراموش کنند
و سیه و عدل و شکست امینه خود را از یاد نهند
چنان استهسته دسته نمایان که بتوانند در مقابل نشان
خود استقامت کنند این مبدی را نه والله دستگیر
کرکت و دولت است را تمام دست او در کیدان
کشاید ابابان کرده که اعلیحضرت سلطان عبدالحمید
خان برضالعین و سعادتین در قیامی خود میبایست
نشان دهد (یا چه دارد)

بزرگی روی مبارک خود نیایدیم بجهت شکست خورد
این راتب را گدایان کنیم بجزین واقف از حقیقت ما
باشند
تقدیر اگر کند سال ثریا در صد ذریقات بر می آید
در حال دولت اسباب ترقی را داشته سوسی می خوانند
و پادشاهان ما هم عالمی ترقی میسوزند امروز در ترقی
ملت و دولت ایران از تمام ملل و دول عالم زیاد بود
راه ترقی که ما را بنزد مسعود میستواند رسانید بهمان
همول جدید است که حالا بر سرستی این شاهنشاه عالم
بازل رؤف مهربان ترقی خواهد کرد این امر در دولت
زیاده فرمایند رجال با دانش ملت گرفته اند که آن تعلیم
عمومی باشد علم و معرفت ما را در میگذرد و معرفت
بطرف میسازد علم راه ترقیات من تمدن را با میسازد
از ترقی که در پیش رو میسازد علم ادب و کار با این که در دنیا
بیدار میسازد ماضع فاش اجانب شده بود آزاد کرد علم
از یکایک بار ترقی که نمود علم فتح من کرد و نه زاپسون علم
بناگهان اگر آنک هزار سال است غرضی میسوزد
گرفته اند پیش آورد و باد دولت غالب فاتح خود را
طرف که چنانکه سر نموده با هم احقاق حقوق آزادی
خود را میطلبند علم تربیت که رفع احتیاجات زعیما
کرده طلبت است که ترقی میسازد بدون علم چینی
نکرده ما هم نخواهیم کرد سابق کسی در ترقی ماکرود که
دامل نشدند بهمان ترقی از مساکت علم طریق دیگر گرفته
بودند و از روی تعلیمات ظاهره خود اسکار ترقیات
ملک و ملت شده بودند غافل ازین که این آب و رنگ
اداره دولتمند نه عالم بود از برکت علم شده جهان
برگزینی توانیم به راهی که آنها رفتند برویم اگر چنانچه
این سبک سیاق که اداره رجال و دولت ملته در
ترقی مدارس ترقی و تربیت ملت ساهی و جاها حکام
و علمای عالم تمام در پیشهمان و نیزه را گرفتند
گزینه مدارس و ترقی تربیت و تعلیم ملت سوسی نمایند
بیت مال دیگر میسوزان گفتند که ایرانیان پیش
آمده اند جواب غفلت میباشند و اندوه حق را هم
چونند که می در حال

استرآباد

برو چیکه وقایع خارج الملتن بود در سد جناب
اقدار السلطان امیر تومان به نوکرهای ترکان چنان
بزار فرمان از خود صحت نمود
بشکان بل ساه الدوله سردار اشرف یک پو
لاده ترتر شده مرصع که شاهنشاه شهید سعید
غفلت و صحت فرموده بود در خبر زند از جمله خود
اقدار السلطان بزوغ غفلت و صحت ترقی ترقی
حکومت تمام رابع ایشان است این غفلت
که با غفلت حکومت ایشان بوده است بجهت
سردار غایتی غفلت تن پوش مبارک ظاهر
رسید استرآباد و کرکان و معانات اسن و مردم
رف حال اند

مکالمه شیخ ایرانی شهنش
هندی روز نیست و مهم
عنوان مهم

هندی - آقا صاحب اگر بخندید و مگر نمی شنوید
دارم بکنم
ایرانی - خب سینه نمی شوم بفرمایند
هندی - بعضی اوقات در شبها آه احوال عاقلانه
دارید و تدبیرات حکیمانیه میفرمایند و راهبهای
نشان میدهد ولی در بعضی مقامات جوابات
مجدوبانه که نشان شما نیست منافقت
با آن احوال عاقلانه بیان میفرمایند فدای شتر
دوره و صرع در شما باشد
ایرانی - عجب شایخی از مسلک پر تید حق اینست
که وقتی شاهد فتنی میزند و من بنده جواب
مطابق با فاعده و نذارم مجبور خود را بگویم علی چه
زده و بهر قسم باشد لغوه از جواب میروم من میسازم
که باین قسم عمل میایم حتی از برادران ایرانی ما وقت
مباحثه که از جواب عاجز میشویم نفس میبندیم و اگر
زود برایشان بیاید که گفت کاری میگویند
هندی - خوب شده بنده را طقت فرمودید که در
اجازه خود با شما گفت بگیرم که کار خویش بکنم
کاری بکش

ایرانی - جناب من این چنین نیست غمش ال روی

ای نارس بی صفت و کنگ کاری متعلق برودمان
رفا داد باش است و نشاء الله بنده از انبیا شتم
پزشک نوازنده اهل هند که نام برکان شجری
هندی - از هر چه بگذری سخن دوست دوست
دیروز دوهفته در اجسدی قانون شرعی ایران بنا
کردند و این مطابق شرع بود و نیزه و فرموده بود
که در همین صفت قانون که رابع سیاست ملک و
سولین و وزیر است بیان نمائید اگر بیان میفرمود
خبر بر اطلاع میشد

ایرانی - حق اینست که هر قدر فکر میکنم نمیکنم
خیلی مصل و از مضمون بحث خارج است و لازم
که در مضمون صحبت صحبت شود لهذا مناسب است این
حق نیست و البته خود را تمام نمایم و در باره قانون
و سیاسی و کتاب عمومی و پر و در کجا های مخصوص کتاب
در زمان مخصوص صحبت نمایم

هندی - از خنده و چادر لنگه بار که باید در ساق
داشتند بنده هم چیزی کم و کاست و چندان میسوزد
ایرانی - در جنس که پاس و طول و عرض و لطایف میسوزد
حق نظر در دست میسوزد

هندی - دیدم سربازانی ایران را که گفتند با ما
بیهوده که از هم ستلاسی نشود و بتوانند بگرد
ایرانی - اینهم از خلقت آنها بوده اگر می بستند دیگر
که ملک بازر شودند و باید پای بر چینه راه بروند و آن
سلب هوش به نامی دولت است و آنها هرگز
احساسی نمی شوند بر سطح فرط خردی که دارند

هندی - از جانب دولت سالی چند وقت کنش بر
سربازی داده میشود
ایرانی - در حقیقت

هندی - آقا صاحب در حقیقت کنش که بجزئی گفت
یک نفر بازر میسوزد و دیگر چه حاجت باطل است
ایرانی - ای صاحب اگر کنش از مردم کا و با شستن
است که شما میفرمایند
هندی - کنش سباز از مردم کا و نیست پس از چه جز
از چشم که گذرن است یا پرسه آبروی خطا آید
از چشم که گذرن است

ایرانی - جناب من این چنین نیست غمش ال روی

مقاله مهمه فایده جرایان از نمره چهاردهم

اگر چه شهیدان در شهادت شرف مساوی که سعادت
 نفسی را جای سنگ در یسب شبیه زیرا که بر مقام قربت
 و بالاتر در بیابان جان ریده مقامشان است فایده
 غایب نیزین سید شهیدان از فرود پس از او بصره
 (ان که فدا شده مساویان تارا الا الشهادت) ای روشی
 نظر ترا زنده اند که بر معانی باشد که جز وسیله
 شهادت بدان مقام نرسد و همچنین میرا که طایرین
 در مساوات شهادت ترا زنده خوانان بودند از جمله
 سید الساجدین و پادشاه ابی حمزه ثمالی که در حق
 القتل حکم صادره شد و در قسم القتل صادره و الشهادت
 من الله که امیرالمؤمنین کرامت سعادت شرافتی که از خدا
 ما را رسیده است همان شجاعت است این سعادت
 شهادت شاه شهید را با فیه بودید است که اول
 از ماه نامی مستم که خدا در قرآن یاد فرماید و آن ماه
 ذیقعد و الحمد لله است و از شرف آقا یکی آن است
 که در آن ماه زمین کسره شده و ابراهیم خلیل علیه السلام
 در آن ماه متولد شده در چنین ماهی در پرتو شیشه بنگام
 زوال که وقت عبادت اهل اسلام باشد در حالتی که تا
 جنت نداشت که مرامت پروردگار خوش بود
 روضه متبرک شاه عبدالعظیم که اقدام لای خوش فرود
 که سعادت شهادت را از دست ستم اهل شقاوت
 حاصل فرمود و کوی فوز برت کعبه را پرورد و در همان
 که شب جمعه در شبها آن جناب قدسی سبب شهادت
 آقایی حاج شیخ محمد تقی است عماد الاسلام که اهل مؤمن
 و ستم علماء اعلام و فقها و خام و صاحب نفس تیره
 و دارای کرامات و کالات ائمه و ائمه و از به زیاد
 و اجداد و عرصه خویش است بی نظیران سنی حضرت
 سید الشهدا علی الاکبر و الشار و در خواب سینه
 که دست شاه شهید را در دست گرفت و من تصرف
 فرمود درین آنا چشم با عماد اسلام بر زخم کلور
 می افتد که بر سینه می کشد شاه شهید سینه و خون از او
 جاری گردید و چون این حال بر تلال شاهه جناب
 اهل اسلام می افتد بی اختیار آنها زنده و دهان بفرمود

و عرض میکنم ای شاه که ام ستمکاران هم بر سینه
 شاد حضرت سید الشهدا ایجاب او شان ملققت شده
 می فرماید خادرسوشن ما این نامزدین بود از آن
 شربت که ما نوشیدیم اتمم نوشید جناب عماد اسلام
 از دست از خواب ایخته می شود با ما در خواب خوش
 ارزای می از اهل تقوی و سدا که از خود ما میگوید
 مجتهد بزرگوار می با بیان میفرماید این خواب بکره
 شگفت بودند تا روز یکشنبه که لنگر اف خبر شهادت
 شاه شهید میرسد و صدق خبر میفرماید که فرماید
 (رویا المومن حسنه من است و ابراهیم من اجداد النبوة)
 بر یکس ظاهر گشت اگر چه کیفیت رویای صادره
 حکمت نماند و در شیت طبعه با هم چندان احتمالی
 ندارد و هر دو بر آنند که صاحبان خوش قدسیت را که
 ائمه فاطمه از رنگ علقی در رنگ خوابهای غرض
 پاکست بخام خواب با مایل مگر نمی و حسب وطن سلی
 در عالم افلاک میرد و بند و آنچه در الواح قدسی تیره
 و شرف محل فعال که جبرئیل امین باشد ثبت شده
 عکس پذیرند و در بیداری از آن اخبار نمایند
 و اینکه خواب با رویای صادره قاصد آنجا لای
 که دام او این است عکس چه دیوان بنیان خداست این
 چیز متواتر است بهترین و معتبرین با دره اجل است
 همان ایام رسید چنانچه در سبب بدون کم و زیاد
 و بی کدییم و سینه در ضمن عرض کردم که رعایای بر آن
 اتحنا بر رعایای دیگر امصار را از است باید که
 او شان با نایات بر دیگران کنند که شایسته سعادت
 شهادت فایز گردید چه در شهادت سعادت و تیر
 باشد که اهل صمت اظهارت با وجود مقام امامت
 و ولایت شهادت متحرمانه که فرماید ما سنا الاستقلال
 او هم حضرت سجاد رعایا که سفاخر خود را بیان میفرماید
 اقتضا شهادت پر خود فرموده از این من قتل
 میرد و کفی ذالک و فرما که گذشته از سعادت و شهادت
 که در آنست شهادت را باشد گشته شدن با این زنده
 و بر فرارش مردن یا زرد و نیست ازین رو عبا
 گشته شدن را موت نامرئید (ایضا الموت الامم)
 های روی رحمة الله فرماید اقلونی اقلونی اقلونی

باغات ان تو قلی حسیه فی صوره منجیل زاهدان
 که بر فرموده لاف من سبب الی علی را سی احتیالی من
 یستنی علی العزاش اگر چه از شمشیر بر سر فرود آید خوشتر
 نزد من از مردن بر فرارش که رفت خواب شب این
 خدمت بر فرق هایش رسید فرمود وقت برت
 الکعبه مقصود و از روی خوش رسید مگر کند به پروردگار
 کعبه که نشسته از افتخاری که ایرانیان با شهادت تبار
 او شان بر مکه آن مباحثان نهایت است این
 شهادت شاه را از جمله بی سختی و در وقت احوال
 که کعبه طاهره پروردگارشند در آنجا حال خوششان
 باید باشد چه بر فرود شده و در آنده پیش پرشیده و نایبند
 که بر زم مکان همایگان را بر یان در دین و شمس نشانی
 دینی و شمس دانه و چنان می پذیرد شسته که اینست از کعبه
 در زمان حکمرانی شاه شهید سعید او شان است که
 ششتر شاه فرود رسن جایگاه بجایه جان سبب
 بزرگ و هرج و مرجی شرک در ایران رخ دهد و باستانی
 تاج و تخت کیان بی جنگ کجک نایان در آید و سلطنت
 و قهرمان دولت هم راه عدم کرد و ازین که خواست
 که همه از خیالات فاسد بر رفت بر حق از اخبارات بر آن
 خود پر داز بودند چنانچه حسب سبب تقصای وقت
 در جواب آتیه از اخبار جعل المین که تا همی زلفت امروز
 این مطلب بقول شاه که او عاشق صادق در این سستی
 انکه تازه اخباری در دلی چاپ شده و نامش را کزین
 نهاده و اکنون با داده رسیده با از ازین که تیر
 در آن سنا است ما بر خود لازم دیدیم که بعینه بخورد
 اردو نوشته است بخاری ترجمه کرده و در جبهه بخورد
 در بیخ نایم و آن اینست
 ۱۸۹۹
 ایران و حکمران ایران بطور عمده فروردی
 ایران مطلق باشد بزرگ و دولتی شرک و بسیار زودوار
 و نیزه مند است ملک ایران بخیر شایسته و آنچه گشته
 شمال ایران پیوسته بیروست و مشرق ان متصل
 و بلوچستان و هر دو در قبضه اقدار حکمران و صوب
 ایران جلاد ترکی وصل باشد ایران ملکیت زفر نکر
 زره پیش بر زره که مباد و زره زمین است و درین زمان
 بر جمع سلاطین جهان در ترقی بهر حال از ایران گناه

در باره آمدن که بکران موی خرق و نابود گردید و پیران را
 مستور و کتی نیا شد و او را آگاهی نیست از آنچه او را
 بزودی پیش آید افواج قاعده و آن ایران نود و پانزده
 و اتواب قابل میدان در ایران دو صد و ده است و این
 بیسج نمی اندیشه که قبیل لشکر ایشان در جنب لشکر
 شنی خاک بمقابله گویند و میدانند که نزدیک است
 سیلهای افواج روس از زیر لپها خواهد رسید اینکام
 چسکو برداشت و برابری تواند کرد و آخر برین کین
 دولت حکیم چه نوبت پیش آید و درین بیسج شک بشاید
 که شاه آگاه دل یعنی شاه مظفر الدین شایسته بدید
 و نسیه در وقت پرورد عدل گسرد و او که کره ملای
 نه همباین حال بیدار مغزی و دلیری شاه را مانع
 خرد پوشیده و نهان کنند در چنین سلطنت بزرگی
 که چهار میل سیم تکلاف در او کشیده شده بود که
 فرنگیان از این نیز خوف غری علم و پیش است
 از پیش هم از آن است که شهید مقدس شنی آاد کلک
 روس است چوسته و محمول ایران یک کرد و شکر
 و چنجاه هزار و شصت و بیست و نه زیاده باشد که
 منسراج مظاہر کاغذ نامه ولی این فرایع انبیا
 زمان پیشین ایران بسیار گشت باز هم اگر علماء و دین
 خطر بزرگ را که ایران در پیش دارد و هوید است بدید
 فسد و درین خوب بی بینند و بر همین منسراج
 شاه راه کار نشود تا چهار سال دیگر شش کلک
 آراسته چهار زیر سلطه آرد از ایران سر زمینست که
 همه دلیر و شیرکینه و خوبی جنگ جو دارند و چنگ
 باشند شاه ایران هر کار ترانند کرده و در اندیشه ترقی
 ایران هم پیشه ولی رعایا تابع ملای و علمای منسراج
 شاه بنده ولی این برانی ایران و نادانی ایرانی
 خوبی و اندک با سالی گمبیرا که کیانی نتواند کرد
 چنگ به مان نهنک فرو تواند برد باز جیسا و قهر
 که تیا سچ جنگهای روس ایران است و السلام تمام
 معاد که زن گزنت ازی خشته آن باشد که
 دران گفته اند در زمان دیگران شاید بکوش
 بوش خرد بشنوم و یاد آیم سکاکی ضحاک را در ایران
 بر سر افرا سیاب را و برای مردم یونان را

و تا ز قالیج مردم عرب را خونریزی چکنیز و لغیان
 از آن نزدیکتر و ضاع بشهر را و از خواب فرگوش
 بسیار شوم از خواب فرگوش سگ نذر لخت
 خواب خوش چشم ترسند که است و از آن
 بیاری که شمشیر بجم و جمع آوری اسبابی که رنگ و
 ناموس جان و مال و دین و آئین که همه از ضرورت
 باشد محروس و محفوظ از گرسنه در زمان باشد
 البته علماء اعلام قانون جنگ را در قرآن و خطبه
 باشد که خداوند تعظیم نمی خود فرمایند البته خودات
 شاه در آن دو صایای آن بزرگوار را با برادران
 خود خوانده باشند و باید باشند که امروز خطبه
 اسلام در آن است که جوانان بر بزرگوار ایران
 حفظ وضعیت فرمایند که روزی یک ساعت قانون
 جنگ آموزد چنانچه امروزه در هر ملک این قاعده
 جاری گشته است (باقی)

کتاب قابوس

وقایع نگار جلالتین میزید تو بود جانی
 اهل بیضا علی اشرف خان احتشام الوزاره که کسب
 دولت ملیا ایران ترکانان فتح و فان تجسبه
 مردم مالات کتول و فدر سک و منزل شرف
 منظم و مقبست از انظامات آن صفات کج
 رفاهیت عامه مهبیاست کاشف الملک مهندس
 بدیت از خراسان با سزا آرد که کجا قبل شد
 آقای احتشام الوزاره رفت هفت گشته تلگرافا از
 طهران سواج شش ماه مغزی الیه اودیت توان
 وزارت جلیل محمد محمد فاروقیت فرمودند
 قساق ایرانی با کینه فریب از طهران آید
 فرمان آقای احتشام الوزاره میباشند که کتول و فقه
 هم از طهران حسب الکرم جناب سیرت علی ابوالحسن
 ایشان

کتاب

قبل از آنکه سوار بجای تختیای ابوالحسن محمد
 العظام سلطان محمد خان حسین پادشاه در الزام
 جناب میرالارطاف العظام آقای شهاب الملغه
 بنام خان زید اجداد بربستان یابند با یکدیگر
 در

سازد و دست سوار افشار شاه سواری و یاد احمدی در
 و بنان بود که از آنجا جایل و ب همواره اطراف
 در قول با تحت و تار می نمود و اموال مردم را بنیب
 افارت میسر و بعضی از مشایخ اطلبه صدر
 مجده بنایک شیخ فرحان شیخ المشایخ الکلیه محسن
 طایفه خانچه را بقره و غلبه خطبه نمود شیخ علوان
 خانچه طایفه خود که بخت رفت بستن از لایه
 عوی در میان آب شوشه صدر شرارت و تحت
 و از نود و ده اشراط طایفه سکون استانی اطراف
 در قول با فارت میسر و تدر شیخ فرحان شیخ المشایخ
 الکلیه بالبات برل خود را به وضع الوقت و ساعت
 اذنته استقامتی نمود و فقی آقای شهاب
 با سوار مذکور نامور نظم و بستان شده و در شوشه
 شاد و آتی بیستین فرستاد که شیخ علوان
 ایشان داده شوشه آورده و از ایالت جلیل
 خود تقصیر آورا خواستار آید خلعت برای
 گرفته و ایضا او را که تقصیر شده بود و بیسج
 نوده در محل خود سکونت داد و حاجی حاج علی
 سخنان نجیبیای عالی خود را با یکدیگر سوار
 در قول نمود از وقتی حاجی حسین علی سخنان
 سوار در قول رفت و دیگر طوایف سکون
 و با درنگ شرارت و دست اندازی به دانات
 در قول نشاند ایالت طوایف الکبیرا
 و راه بسال مانده از شیخ فرحان دریافت
 و وصول نموده بکار گذاران ایالت فایده
 سشهادت و خدمات دولت بقدر سوار
 قصور بمت توریزه اشعار و بستان
 با ستمات و اذیت معسرتی الیه آرام
 فترت شرارت و سرق و نهب برای
 اسبابانده است لازم است از ایلیای
 دولت بجا وید شوکت و باره این شخص
 دولت خواه پادشاه پرست بدل در جنب
 که ناگون نبود تا اسباب تشوق سایر
 اسد اور ساسی ایران کرد و ایالت جلیل
 نیش از شهاب الملغه از سار با سستی ایلیا

کتاب

از حسن تدبیر صاحب کتاب قبل سردار مغم
 و کار دانی امیرالامراء العظام سهام الدوله دام آقا که
 الکرم و فرزندان و از سبزی الیه میباشند که امانی در وقت
 نام حاصلست فی الجمله فتنه‌اشی بمکه بود در تفرغ شد و میشود
 ماکولات و از فخر این بلد با نسیه بود دیگر کتاب شد
 کذب خرداری جوهر خرداری گوشت کبک
 بله که چاه میر تبریز شد در حق نیک بله بیخ عزیز که در
 دو هزار
 برج کرده که در سی شب
 لغت

و سایر اشیا بجهت احوال از هر جهت مردم آمده هستند
 که کلان که در سنه نهمین موضوع و حکومت استر آید
 شده بود و بعد از آنکه صاحب کتاب در مغم برای مدتی
 سال و در حالت بیمار که در راه دولت علیه کشیده اند فتنه
 خواجه در و سالی که کلان من استماع از شریف آوردن
 سبزی الیه از نظر این تحصیل شرف خدمت سعادت نمود
 هر یک را بجاست حال خلعت دادند و مهربانی فرمودند
 تفریح در کتب و قضاات اجازه مرضی گرفته با دار و در کل
 مالکیت بملکوت خودشان سعادت نمودند در واقع
 شینه این وجود محرم خطا کوچک از نیست و در میان
 صرف با سودگی رعایا و آبادی و انتظامات این
 بیایه و علی‌های هزاران انوسل است که هر چه در مدینه
 استعدا هر نوع آبادی و دارای سادون زغال سنگ
 من و سرب سنگ در است قبحی بفرمایند و میر آید
 بر روزی یک میل از این کتاب که هر چند اشرا بقتضای
 برابر است و در خط تصرف رعایا در سنه دو سال قبل
 قلعه فیروزه همیشه رعایت میکند که فیروزه نام بنیاده
 و اول خط سرحه قویان و بجز در است و چهارش
 قویان است روی بسیار بود و در مدینه قیاس خوبی
 آبادی پیش از فوده اند که با سالهای سال است
 آنها بود و هرگاه در این خط مذکور در نظر فکلی بنشیند
 سوار قار در حسد کت دادن آن دو نفر خواهد بود و ملا
 بر این اسال کت قایم که قایم شاه نمکین با کز
 در بجهت بیوت و کلان و اتمت از این فای

قسم کشت زرع است بنوان که بر است تمام
 از خطی نمودن بیوت و کلان از دولت گرفته اند
 شغل سائقین ما و استعداات و کمر بستند و ما
 که بر نیاید ز کمرگ چو پانی اگر چه آقای هشام الوزاره
 که از اشخاص کافه کاروان در سنه نهمین که در راه
 بود بریاست کیمین کت قایم که قایم با مورد عالی
 با مورد دولت روس در حق که در بستند ولی پر ماس
 که چاه با مورد سخت گیر و دو توپهای نایه فراموش
 و اول دستور الی که سید به این است نیز به نیا
 سجاد انومی رفتار و سلوک نماید که با موردین روسی
 از اشکایت نایه فخره جان این محل اهرم که در وقت
 شده فراسان و استر آباد و مازندران را خداوند از
 چشم بد نگاه دارد که از این دست زنده بجا
 مجلس رفق ای سادول که بخواه نقش باشد

حبل المتین

پرنس مبارک در یکی از نظمهای خود میگوید که سر آمدیم
 پیچیدهای قمت و جویت آنان است از بهای با
 خود طبایع اقوام مختلفه را وقتی با خط نایم بدون نم
 بیش در حکم دو خود س از بهیکه یکت از ان
 دیگرش محمود از لاله خواهد کرد و در زمانه ای
 خواهد که کشت تمام استکلات او را تصرف خواهند
 یا باید از استقامت خدای کند و یا آنکه در حق دولت
 جان شیرین تسلیم نماید - باز میگوید به تر این صفت
 یک و سادگت در زالت را محط است صفت
 حران و با سرت پیشه سنی کت از تر قیامت
 آری سینه از کوشش کشت زبانم هر یک از این
 صفت بجای خود در اینده ام و انمول در اول نابوی
 و تبابی جسم ساقی را بکلت دارد نمودند با لکه اگر این
 صفت در یک قوم و ملت جمع شود در زمانه فیل انما
 از این بی نیست و از لکنه ای پستی میکند این در آت
 جلی و طبیعت در تبابی قوم از اولم با بیانات
 فارجه دارد و که در جلیت و رحمت تمام اقوام طبیعت
 این مراتب را بود دیده نهاده است
 با کمال استغف میگویم که این دو صفت در صحبت
 ایرانیان محو آن حکم طبیعت آفرینی مید کرده است

و این دو صفت آب تنی مانده و منقح حاصل مانده
 مانع از تمام تر قیامت کرده است این است که هر
 بر زبان کوشش نماید که کت یکدم پیش رود وقت
 این دو صفت طبیعی صفت نام را احصای آید از
 در زمانه غلده آشیان آقا محمد خان غازی البلب اللع
 نام تو ای سخ حال و نامی شهادت میدهد که دولت
 ایران بر روس غلبه داشت وقت آن از هیچ دولتی در
 عهد خود کم نبود و در روز اگر دولت بزرگ نام را بکلت
 یا بکلت صرف با حفظ است از تمام همگان از اینها
 طرف بر افتد و قیامت کرده و هر یک هم بقدر وصله
 خیرش مانده و درین راه برانگ کرده اند چون روی کام
 با خاصل است چندان لازم تشریح نمیدانم فایده
 تاریخ ما آنکه در خطای ای که نشان است تا جرات
 کرده و در ذکر که نشان منس بوده و آنست بر سلاط
 که نشانی بود

اگر از زمان در موم آقا محمد خان که با همیای بر تر از اول
 عالم بودیم چنانچه دیگران در تر قیامت حدت پیش
 سعی کردند تا نایه سعی نموده بودیم از هر چه همیشه بر تر از
 همایگان خود بودیم کمال استغف میگویم که دیگران
 کردند ما عقب افتادیم دیگران بسلاطه دلیل ششم
 عزیزان بر ما شکست بر دیگران وسیع با غیر ششم دیگران
 عالم شده نه بهیب در عالم صیغ شده نه بهیب دیگران
 گرفت همه بر وسط خود پسندی جهالت عدم سعی در شوش
 و اجزاء با یکدیگر که کت شرازه کلت است از هم پیشه
 از کت و غور سینه و نایم با یکدیگر است با
 نمی توانیم ایستاد و سعی پسولانی چنانچه با یکدیگر از
 رفق در بدن تدارک سلبت خود را با پوست و نایه
 چنانچه در کمال جیل خود را عالم میدانیم با نهایت کت خود را
 مانع تصور کرده ایم و با بی و باقی خویش را سیدین
 و با غایت دولت خود را غیر میگویم
 و امیران و دشمنان بر سر داشتند نینده و اما در
 و سوز میگویند با از شان ایما که ولی اگر دوستان
 از کت صیغت کنند در راه بنایند پیش آمد و ظاهر
 دارند تو بین خود را تصور میکنند و سیت از پیشانی
 شناسیم و یکدیگر خود را بنیاد هم که در چهار نفر مانده

قابل توجه مسلمانان محترمه مکتوب عبد الحمید افندی از

چهاردهم

اولا لازم است که انجمن انظاریه این مجلس عظیم ملاحظه فرمایند
 رسوخ و نفوذ و مردمان دانشمند با جدیت باشند که انظار
 درست کرده عام و خاص را در علمای و پنهان ترغیب
 و تشویق و افاضه نمایند و بنک معتبره همی را همین نموده
 آنچه جویدات از غرضش الی صدره جمع شود در آن
 بنک جمع کنند و احدی از اعضای انجمن مخصوص انظاریه
 نتواند در آن وجه تصرفی نماید که ششده برین شخص بزرگ
 صرف مستحق را همین کنند که از هر کجا و هر چه در امان
 این انجمن فرستند قبضه سیه از او باز یافت شود و از
 تمام مسلمانان عالم درین راه و جدا خانه و اماه اطلب
 شود و هر کس بقدر طاقت و کمال که یک غرضش باشد
 و در هر زبان در اخبارات بزرگ صرف هر کس بر
 و جدا خانه میدهند و اعلان شود تا مدی را یا رای حیف
 و پیش نیاید امید داریم در عرض و سال زاید بر مصارف
 این مجلس مایه شود و میکند مصارف آن مایه گردید جمع آن
 علماء و اعلام فریقین پسندان و شوار نیست تمام علمای
 اعلام اسلام از وظایب آنها میباشند و احدی را
 در لزوم این امره شکنج نیست
 و یکراکه لازم است اعضای انظاریه این انجمن
 مسائل باه الزام و اصول و اساس آنها را اولاد
 میان خود مباحث کرده و تساه و ماری در فیصله آن
 نهاده رساله مختصره و مفصل طبع نموده در هر ملک
 و شهر خدمت علمای فریقین فرستاده تا اولاد
 از اصول بحث و طریق اصلاح کانه سخن باشند و اگر
 اختلافی درین امر وارد ظاهر داشته راه اصلاح
 به دست دهند پس از آن محبت و آرمیم و اصلاح نموده
 مسکن فیصله را گرفته بنوعیکه لازم است رساله و هر
 طبع کرده با مضای همه علمای اعلام برسانند بکجا اینکه
 ازین مراتب دفاعت حاصل آمد در مجلس تمام اختلاف
 رفع شده اسکن تساه و اخوت اسلامی همه و آرد
 استقامت محکم میشود
 و در ذیل این مکتوب سینهی جمع نمودن و جدا خانه

و ادب و بیعت مصارف این انجمن پیش از آنکه
 با امور است فیصله طلب را موضوع بحث بنام و
 کامل کنیم اقدام درین بی بود
 است تا اگر هم مجلس منع شود امکان ندارد
 کرد در یک مجلس با ده مجلس عام فیصله این مراتب
 بشود ولی قبل از وقت که از انظار امور است لازم
 شود در مجلس با مضای رسیده این بنده خیر
 خواه اسلام ششما ما خرم که با خنده غرضش درین
 راه با انجمن از مال خود اعانه رسانم و در دارت
 بزار غرضش هم که از خیر خوانان اسلام و جدا خانه
 جمع نماید یک اولین و فیصله خیر خوانان اسلام
 طالب آنها تمام مسلمانان میباشند و انظار
 انظار بی نوع شایسته است که برای فریقین و
 علمای اعلام و مردمان کارگاه منع نماید درین
 اتحاد مسلمانان محکم گردیده است پس اولین
 و فیصله مسلمانان امروزه آن است که در هر
 انجمن ابتدائی آن انجمن عظیم اقدام نموده اسکن
 کار را محکم نماید که تو در هر بی یا و بر

ادامه خواه مسلمانان

(ادیب)

درین مبحث رساله علمی جمهوری موسوم به ادیب
 که نهایت اعتبار دارد و میستوان گفت اکنون
 این بیک ریاضی و غرض از زبان اردو رساله
 شایع شده و نهایت عیند کمال طبع و قدرت
 در ملک بروداداره رسیده نام مضامین و عیند
 و با مسانت قابل دیداست با خط خوب کافه
 و نصیحت معانی در طبع عیند عام اگر طبع دور
 فیروز آبا و منیع اگر با اهتمام جانب محمد قادر علمان
 صوفی توزیع میشود با این همه کمناست قیمت رساله
 ادیب بی بیست فاه عام نهایت فیلل که از رساله
 سالانه چهار روید و پیش از آن الح این رساله قابل
 دید است و تیریشین تحریر و بنام

اسمحه الموحیدین

رساله کوچکی میباشد که بانی مذہب (باصلاح)
 راجه رام موہن رای یکی از دانشمندان بوده است

در زبان فارسی بسیار سلیس بود و تصنیف نموده بکلام
 با بر لجه و نواران در طبع چهار بار مساج و آهسته
 عظیم آباد و فقه استکرم طبع رسیده درین سال
 احوال مسلمانان را تر و دیگرده و اثبات و تحید
 داده است اینهمه رساله مطبوعه و مذہب
 مساج که تازه در میند میداشد و مسلمانان اسلام
 نزدیک تر است از سایر مذہب (علاوه بر آن
 پوست قیمت رساله موصوف یک رساله است
 هر کس خواهد که به طبع موصوف بروج نماید

(اقتصادی مغرب سینی بکس)

درین کتاب واقعات تاریکانه امارت های بر
 (الجنه از غیره) را در بیست ساله وقایع
 بار برود و کار و ادب های (کتاب عروج و کسان غیر
 الدین) و حکمت بیست ساله ترکان و کعبه روم و
 اقدار بحری آنها و اصلیت فارسی گران بربری و مالک
 مسلمانانیکه از اسپانیا مهاجر و وطن نموده بودند در زبان
 اردو درج است کتاب موصوف بیک تاریخهای
 حالات طبیعی ملت را مجتمعه نموده بیکوئیهای سال
 و نهایت آب هوای کلام گذشته از ان بنادیرس - غلب
 - آل قاطله - و ایلین - موحیدین - بنوعی و غیره
 و حکمت علمی مسلمانان با غار و همه تکنیکهای دول
 و محلات فارسی گران آنها و آیه تاریکی و کردار تاریکی
 در قرن و سنی و آخرین تیره و ترقه فاندان بار برود و
 جوش نظام مسلمانان در این پایا و ترکاری رساله
 آن از انوار و تیرس آل عثمان و حاکمان دول اردو
 و انبازم آنها و اتفاق ترکان بر ایران در محلات
 اردو و جهاد اسپانیا با البراز و ناکامی و و تفصیل بیک
 لغت و درین کتاب ذکر است و کتاب تاریخ مستند
 انجلیس و الب لیاست این کتاب زاید بر بیست
 با کافه عمده و بیست و دو (۲۰ + ۲۶) با خط
 و نقش و تصاویر و غیره است هر چند آن
 قیمت کتاب موصوف علاوه اجرت پوست
 یک و نیم روپیاست هر کس خواهد که بکس
 بطبع اخبار روزانه علمی

ایرانی - و بریت کتکش از قریه قمت چرم کا میگردد
 و نمونه هم که بدولت نشان داده میشود از همان چرم کا
 و در سال غربی و شکیست کتکش سرکره دکان هم تماماً
 از همان جنس و احوالست مطابق با نمونه ولی باو برآورد
 کتکش نشان از تاج بزرگ نموده و زینین سبک
 در اندک ایامی پاره میشود و محتاج به بستن قلمه میگردد
 که باید این سبک از زره شمارد ملک غربت برین کتکش
 کبکند و غذا و نجای و غیرت به پادشاهان میباید و بدولت
 ولی غیرت مردی که حق دولت سر با زاری برنده و نشود
 تنگ دولت و کتکش میشود و از زنده اش هم واردم نداشت
 هندی - ششپندم در قویان ششپندم آن پنج سوار نژاد
 شخصی موجود است و موجب حیره و دل باس صد سوار
 از دولت میگردد و راست است

ایرانی - غیر الموعده ما هم
 هندی - یاد دارم که یک وقتی کتکش میگردد و مذکور
 رعایای اصفهان کتکش از جرد و قندی سر باز داشته
 و سر باز ناکه فدای او را کتکش بودند
 ایرانی - معلوم میشود که بر خلاف میل سرتیب آنها
 رفتار کرده بود
 هندی - ششپندم در شب بر فرقه در باغات میوه
 نارس را میزد و دیدند
 ایرانی - اگر میل سرتیب بودنی تو داشته از اردو
 و معسکر خارج شوند

هندی - عجب عیاشی از شاهشاه میگردد سرتیب حکم
 میکند که بروید خانه مردم را خراب کنید و خرمن بپوشید
 و باغات و زراعت را بپاره کنید و سر را بپوشید
 میفرمایند بکس سرتیب میل سر کرده باشا سر
 ایرانی - بلی این اشیا را که می برند حکم موجب
 شاهه موجب میدارند
 هندی - آخر موجب را اگر نمیدهد دولت نمیدهد
 سرتیب سر کرده چه دخل دارد
 ایرانی - آقای من موجب را دولت تمام کمال میدهد
 و یک دیار خانه نمیدارد اما سر کرده و رئیس معسکر اگر
 در خوردن و بردن حقوق سرباز میپارند نه داشته باشد
 بستواند تمام کمال از سرفروان وصول کرده و بر باز

زیر دست خود برساند که آنها را کتکش میکند
 و در امل نشود و معصنه نه نمایند وقتی سر کرده و رئیس
 موجب از رسانید و دانش کند و زبانش کتکش
 بستواند حرف بنزد و تو کبری حیره و موجب تاج سر
 آقا است بیکر که ام کس او مانع کند و ازین کرد
 و احوال باز دارد

هندی - مگر قانون نظام و دستور العمل نژاد
 نیست که بموجب همان عمل نمایند و اگر تکلف شود
 بموجب سیاست کردند
 ایرانی - و قدر دستور العمل و کمال استحکام است
 و موقوفه میل رئیس است بعد از آنکه میل رئیس
 مستوفی چهاره میستواند بکند قطعه یک کتکش
 هندی - وقتیکه در بارشوری منقده می شود با
 شوری صبیخته در این سوار کتکش نمی شود که رفع
 این واقعه رفع این رسواییها بشود

ایرانی - همان اعضای شوری که وزیرای مقام اند
 هر یک یک عیبه مصدر خدشی از خدمات دولتی اند
 و اغلب یک اشخوان شکسته و وزیر عقل و فطی اند
 یکسچون یک نوع صیستی هم بهم دارند و هم محتاج
 بمساوت یک کتکش که کسی حقیقی تمدن است آه آه
 آه آه در کارهای شورت میشود که خارج اهل
 ادارات باشد آه و چار عقل در کاره بار یک کتکش
 کمال پوشیاری در زیر کی یاد دارند

فلک زدگی چین

ابتدا فلک میان آدی کاد اسپانیا بنگ
 نوشته بود که جنگ ظاهر بر سر کویا است بلی در
 جنگ بر چین است این صحنی که دولت انگلیس
 در اقصای شرق رقیب چند دولت واقعه
 تهیه بود و میستوانست با قیای خود بواسطه
 تسه و شان مخالفت کند و دست برسد
 نهاده ساکت ماند چنانچه نظر محصلت وقت چند
 نیز در معاملات چین از قیای خود حقیقت
 و اساس تهاجم با امریکارا بستند او را در چین
 نمود و راه دعوت آن پانجامع لجنه از قیای
 این بود که با هم جزا را کویا با انگ با اسپانیا در

و بر سر سبب به از قیای من اناطه که حقیقت محمود
 اصل حسیبه از قیای من نیست سبب دعوت لوت
 انگلیس کلایه خیالات امریکاییان است و کویا
 و امریکاییان است دولت انگلیس نظر معاند لوت
 و بسیاری خود طلبا تقسیم چین رسانیدند و تنها
 نیز از رفیده جواب رفقای خود بر نمی آید از آمد
 قسطنطنیه و قیای من است که در قیای من سبب
 کند روس از اندامان این زمین را و کار را با خود
 نمود و از پون را هم با خود میمال که او خواه
 است که یازده این دولت در حقیقت نموده
 است که مانع تقسیم چین میگردد و پیش از
 بشود از جنگ مساعده دولت شاه انگلیس و امریکاییان
 و زره پون اگر چین صواب باشد اگر چه کویا
 معصیه است اول شاه شیبست مانع تجارت و
 سبب منی خود کرده اند نه بواسطه منفعت دولت چین
 با کسند که اخذات چین میرسد این ملک وسیع
 دولت تمام در کتکش این سخت گرفتار است
 هر روز هم یک پانزده بخت ایدر خانه چنانچه
 تا سرکی بند برید و در چین کتکش را عام کرده اند
 و تهاجم با دولت چین من منظور معصیه است
 و قتل را در انگلیس با دولت چین میستواند
 لیدر قبول کرده است که با قریای او به تمام
 سولین رنگ در صدد گرفتن امتیازات و حاصل
 کردن و باغات عمومی و حیثیت سی و کوشش
 با حیان چین در بروز قوت میگردد با این حال
 حسی شکست که دولت چین با قوت فاعله و
 و محمول و احوال خوب است بلی از آنکه دولت
 قسطنطنیه از قیای من فراقت نمایند بهوش آمد همین
 حقه بر باید دانست که با ما را پایگان قرابت
 معارضه منظور وقت فرصت نمایان امر نمایان
 شد که میستواند در نفوس و یک نه سبب ملک
 بستیم دولت چین یا همشده کرد و خوش
 سبب داشت

یک در جنگی پر یک شوت بود
 فداوند اول آتیار از چشم در سخنان مجاهد

دخا بدلی رکاوه اندن از قبايع عمارت پير برك
 خود سينه نيه كه جز برون دولت روس من باب است
 مومي دولت مصارف جنگي كه با حقوق خود چنانچه
 شش ميليون روس درين مقصود ترديدات
 چند داره - اخباره كه ريكو يد كه ايد اقرب منقل
 وقا من نيست قومي اين ايد از يك طرف و از جنگ
 روس در قواي بي روسي خود سيارايد از طرف ديگر
 وزير امور خارجه روس در اينجا همين قواي مرموزي است
 اين دو كه در شين برك با هم كجاست برك برك برك

شرفي و خصوص قلم قرائين سار صلح قوام شده بود
 الق قرائين محسه سيار خرابي نظم است چنانچه
 قرائين محرمه في الملوك نظم داشت چرا مومين چنين
 برك اهل محسه را با كمال گمنامي در قرائين سكره
 دعالي كوله الحمد و محرمه چي كونه نادمش نيست برك
 و اگر كوشاني انگليسا با اسم و لوسزي و جنت و محرمه
 كه داشته اند بجز اكنه از اعاب چي پاره پول كره و پول
 جمع نمايد كارهاي دار عمارت فلكت شكوه صاحبها
 بالتمام تصرف نموده و اين عمارت دولت ميرس گاه
 خرابيها شده جاي خراب است اين ايد از ايد چي
 كه سار طباير و ريب رفته و تعمير علم جدي نموده
 در يك خريده انه كه يك نفر آنها هم شهيد نيست
 كه اولاد محسه بيايد كه خرابيها عمارت دولت را
 با اسم و اكردي ميرس گاه خرابيها چي كونه اين اكر
 موصوف شب ۲۱ شهريه بوشان با ساز و نقاره و عرس
 نموده و مسيح ملاحظه اينكه اين ملك اسلام است
 و اشبه بملابها قواي امام خود را داره كره و كمال
 غرور و مظهر مسيحي آنچه خواسته كرده

در اوله رمضان در سربو نفوس بود الحيف صلح محرم
 چي قطع الطريق با شك تا رين مي ايد بفرم ان
 مانه شخصي را عمارت كنده خريده صاحبها چي
 خلفي بود و خبر دار ميشود و با چند نفر با شك آنها
 دفع كيد كه برك خريده كشته ميشود و چي برك
 از اهل مانه از قلمه كين صاحبها و در قلمه خود

زمن بوده و حكومت كمال من خود
 خواهد شد و هر يك با ذبول قوه و بكاره مانه
 شيخ قومي وزير شيخ الشايخ حاكم چي خلاصه
 اسال با تدارك كمال غم زيارت بيت الله
 داشت كه در زوجه اجبا قراي نايه روز خفته
 مصان در خلاصه با خويستان و اقوام خدا خلق نموده
 سوار علم شده كه طرف محسه حركت نمايد اين شيخ
 قومي محرم از يك نفر هم چي پاره و قومي هم داشت
 اين چي هم ناي ناهيران اغلب بزم شايه چي پاره
 او سوار علم شده من حركت علم چي امام خود نما
 چي پاره قومي را بفرم چي پاره كوله مارين برك
 اصلي فرستاده يك پسر و يك برادر را هم كه او بود
 كشته و صلح با صديقه عين و دو هزار تومان قرا
 كه با او بود هزار بار و پس از آن چي زومي آمده
 سوازي هزاره شست صد تنگ مارين با منده
 فشك مال انست شين اجري ساكن بوشه كه پيشه
 براي فروش مي فرستاده و در نام شخص صاحب
 تنگ را هم ميگنم و در كرم خداوند عالم اين شين
 دولت و ديانت عايت منده بايه كه كوش چي پاره
 شايي فايده سوخت باعث پلاكت هزار تنگ
 بنه كان خدا بنده

منظم كيا سماز دولت عليه قشاني رفا داده است
 كه نقل سني كتب جدي قلمی كه در كتاب مانه شايي
 اسلامبول موجود است بجناب نواب قارا مانه
 به اجرت نقل اين كتاب كنده و هشاد هزار
 ديارست قرايافته و در قرض نقل ان كتب اخذ
 بطول خواهد چي خرابي الح مصارف شناسي نواب
 وقارا مانه و او وزير اعظم ميده رآباد و كين قابل هر اكر
 تجيد و تعريف است تمام ان كتب را چي پاره
 و كين بليغ و نشر خواهد نمود و ايكاش در ايران هم
 يك وجود خيزت منده مصارف شناسي پيداشود تا
 مصدر ايكونه خدمت كه باعث جاي نام يك
 و باقيات الصالحات ابدی و اسباب حيات ملاد

ان سيار دلي ركار و ولدن مي نويسد كه اخبارات
 روسي من باب عهد نامه خديو و انگليس كه سوادان هم
 از مستحبات جديده دولت مشارالها باشد خيلي كنه
 چيني حسيه كره مصراع صوب حياست شماني و خديو با كوله
 است و چي پاره چي پاره و چي پاره با اول كره خديو
 به مصروف حسيه تمام دل علم با اخباره از ان و انان هم
 خيلي حسيه از اخبارات قومي حسيه رايه و چي پاره
 چي پاره حسيه حسيه حسيه حسيه حسيه حسيه حسيه

مصنفين قديم اسلام است كرده و عماره اسيان را
 از بعض علوم آنها فارگه و دانشا وقت به اخلاق
 كتب تصانيف مينده علاي اصحاب ايران در زاويه
 كني كره خود است از قدم قدر واني رجال مصارف
 شناسي مصنفين ايران مردمان عالم فاضل زمانه
 كنده تصانيفات از اين راه معصوم كه باعث نوم
 به زانده اند تا وقتيكه با ر علم در ايران رواج نكرده
 مصلاي اصحاب و تصانيفات آنها را كنده نمايند علم عمومی
 ستر او شده و عماره مردم ايران را هيب بطرف علم
 ستر او كرده و ناز نا نيكه علم در ايران عمومی شده
 از نوي ترقيات ميته دشوار اين حال است

و حيايع نگار اخبار دلي ركار و ولدن از پارس مينه
 كوله روز در سفار تحسانه چي از دول تحده خود مان بوم
 بطريق وثوق خريده قلم كيا مانه افغانستان و روس شده
 خرابي شده چون تا اركان حكومي دولت انگليس را
 قوا كجاست او بيايدي پيشه نيست كوله اركان
 بصيحت پيش بندي كه شايه با نگاه و دولت انگليس او را
 بطرف ديگر شغل نموده خيالات او را از افغانستان
 مستطرف دارد و سپاهيون روس مناسب لازم ديده
 كه عرصه چ و در قلمه اقبل از وقوع نموده افغانستان را با خود
 منع خست تا بلكه ريد دولت انگليس را از خيالات و كره
 باز و دولت روس در سره افغانستان تهيه كند
 كابل ريه و چي پاره با امير افغانستان هم كامل كرده است
 در مصاللات جنگ با فريده با كره چي پاره اين ايد
 و در حقيقت خيوان كنه كره و ان جنگ ايد ريه است

ان سيار دلي ركار و ولدن مي نويسد كه اخبارات
 روسي من باب عهد نامه خديو و انگليس كه سوادان هم
 از مستحبات جديده دولت مشارالها باشد خيلي كنه
 چيني حسيه كره مصراع صوب حياست شماني و خديو با كوله
 است و چي پاره چي پاره و چي پاره با اول كره خديو
 به مصروف حسيه تمام دل علم با اخباره از ان و انان هم
 خيلي حسيه از اخبارات قومي حسيه رايه و چي پاره
 چي پاره حسيه حسيه حسيه حسيه حسيه حسيه

